



است. اعضای گروه مستندساز در طول حضور خود در میناب، از نزدیک واقعیت زندگی مردم منطقه را مشاهده کردند؛ مردمی ساده، محروم و بی‌ادعا. بسیاری از خانواده‌ها شغل‌هایی مانند رانندگی تاکسی، کارگری یا مشاغل آزاد داشتند و برخی نیز تحت پوشش کمیته امداد بودند. این واقعیت میدانی، در تضاد کامل با برخی ادعاها و شایعات مطرح شده در باره محل حادثه بود.

تلاشی برای حفظ حافظه تاریخی جنایت میناب

در بخشی از روایت مستند، آثار باقی مانده از محل اصابت موشک‌ها نیز به تصویر کشیده شده است، مدرسه‌ای دو طبقه که هنوز آثار تخریب در آن دیده می‌شود. گودی ناشی از اصابت موشک، سقف‌های فرو ریخته و کلاس‌هایی که روزی محل خنده و بازی کودکان بود، حالا تبدیل به سندی از یک جنایت شده‌اند. یکی از نکات تکان دهنده این مجموعه، اشاره به تعداد بالای شهدای پسر در میان کودکان است. برخلاف تصور عمومی، شمار زیادی از شهدا را پسران خردسال تشکیل می‌دادند؛ کودکانی که بسیاری از آن‌ها هنوز به سن نوجوانی نرسیده بودند.

این مستند، علاوه بر ثبت روایت خانواده‌ها، تلاشی برای حفظ حافظه تاریخی این حادثه نیز به شمار می‌رود؛ روایتی که می‌خواهد یاد و نام کودکان شهید میناب را زنده نگه دارد و اجازه ندهد در دانهادر هیاهوی اخبار فراموش شود. پنج قسمت این مجموعه، هر کدام باروایتی مستقل اما پیوسته، مخاطب را با ابعاد مختلف زندگی این خانواده‌ها آشنا می‌کند؛ از لحظات قبل از حادثه و روز تلخ شهادت گرفته تا روزهای پس از آن، صبوری مادران، سکوت پدران و خاطراتی که هنوز در گوشه و کنار خانه‌ها جریان دارد. مستند «فرشتگان طیبه» در نهایت، فقط روایت یک حادثه نیست؛ روایتی است از مظلومیت، ایمان، عشق و مقاومت. روایتی از کودکانی که آرزوهای کوچکی داشتند اما نامشان برای همیشه در حافظه مردم این سرزمین ماندگار شد؛ کودکانی که حالا صدای معصومانه‌شان از دل این مستند شنیده می‌شود و دل هر بیننده‌ای را به تأمل وامی‌دارد.

امام رضا (علیه السلام)، صاحب فرزند می‌شوند و نام او را به عشق امام هشتم «رضا» می‌گذارند. اما این کودک تنها هشت سال در کنار خانواده می‌ماند و در همان حادثه تلخ به شهادت می‌رسد. مادر رضا در مقابل دوربین، از روزهایی می‌گوید که برای داشتن فرزند دومی کرد و حالا ز قیام عکس کودکش آرامش می‌گیرد. این روایت، پیوند عاطفی عمیقی میان امام رضا (علیه السلام) و زندگی این خانواده ایجاد کرده و از بخش‌های محوری مستند به شمار می‌رود.

خانواده‌هایی با داستان‌های متفاوت اما دردی مشترک

در قسمت‌های دیگر این مجموعه، مخاطب با خانواده‌های «محمدطاها جعفری»، «امیر محمد باقری» و دیگر شهدای کودک آشنا می‌شود؛ خانواده‌هایی که هر کدام داستانی متفاوت اما دردی مشترک دارند. برخی از مادران هنوز اتاق فرزندشان را دست نخورده نگه داشته‌اند. بعضی از پدرها از آخرین باری می‌گویند که دست کودکشان را گرفته بودند و نمی‌دانستند چند ساعت بعد، باید پیکر او را در آغوش بگیرند. از ویژگی‌های مهم این مستند، استفاده هم‌زمان از تصاویر آرشیوی، فیلم‌های واقعی روز حادثه، تصاویر هوایی هلی‌شات، گفتگوهای خانوادگی و سکانس‌هایی از حرم مطهر رضوی است. این ترکیب تصویری، فضایی عاطفی و معنوی به اثر بخشیده و باعث شده روایت مستند تنها محدود به بازگویی حادثه نباشد، بلکه به سفری در احساسات و باورهای خانواده‌ها تبدیل شود.

حرمی که پناه‌دهل‌های خانواده شهدای میناب شد

در بخش‌هایی از مستند، مراسم مداحی و روضه خوانی نیز در کنار گفتگوها دیده می‌شود؛ لحظاتی که خانواده‌های شهدا، با توسل و یاد اهل بیت (علیهم السلام)، از داغ فرزندانشان سخن می‌گویند. حضور نام امام رضا (علیه السلام) در بسیاری از روایت‌ها، نشان می‌دهد فرهنگ رضوی چگونه در سخت‌ترین لحظات، به پناهگاه روحی این خانواده‌ها تبدیل شده